

## تحلیلی جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان

### نسبت به امور شهری

دکتر محمود شارع‌پور<sup>۱</sup> و مریم شعبانی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۵/۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۲

#### چکیده:

توجهی کالبدی و سخت‌افزاری به شهر، مدیریت شهری را گرفتار فرسایش سخت و شکننده می‌نماید؛ بهتر آن است اهتمام دست‌اندرکاران جهت برون رفتن از انواع معضلات در حوزه‌ی مدیریت و توسعه‌ی شهری به ریشه‌یابی باشد که زمینه را برای حل و فصل عمیق سبب گردد، که در این میان به نظر می‌رسد عمیق‌ترین و کاراترین راه حل، آگاه‌سازی و ارتقای سطح دانش شهروندی شهروندان است؛ چون مدیران شهری را در هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای مناسب اقدامات، برای رسیدن به شهری پایدار کمک می‌نماید. تحقیق حاضر با تکیه بر نظریه‌های شهروندی (برایان. اس. ترنر و بورگن هابرماس) و به روش پیمایش انجام گرفته است؛ به این ترتیب که پس از تقسیم شهر ساری به مناطق ۳ گانه، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی، تعداد ۴۳۷ نفر به‌عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. جمعیت تحقیق کلیه‌ی شهروندان شهر ساری با ضابطه‌ی سنی ۱۸ سال و بالاتر می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق، حاکی از متوسط بودن میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری است که سهم آگاهی مردان بیشتر از زنان می‌باشد. متغیر رسانه‌های جمعی و مشارکت در نهادهای مدنی معنادار بوده و رسانه‌های جمعی، مهم‌ترین تبیین‌کننده‌ی آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری می‌باشد. متغیرهای زمینه‌ای (گروه‌های سنی، سمت در خانوار، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت) معنادار می‌باشند و تطابق یافته‌های این متغیرها دلالت بر ضعف آگاهی در میان جوانان است.

مفاهیم کلیدی: آگاهی، شهروندی شهری، رسانه‌های جمعی، مشارکت مدنی

<sup>۱</sup> استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران [m.sharepour@umz.ac.ir](mailto:m.sharepour@umz.ac.ir)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده‌ی مسئول) [shaebani@yahoo.com](mailto:shaebani@yahoo.com)

## مقدمه و بیان مسأله

نیاز گسترده به شهرسازی و شهرگرایی در سده‌ی اخیر و همچنین انفجار جمعیت در کلان‌شهرها، ابعاد متنوعی به مسائل شهر داده و مباحثی چون آموزش و مشارکت شهروندان، اهمیت ویژه‌ای یافته است. با کاهش کیفیت محیط‌زیست شهری و افزایش آلودگی صوتی، کمبود منابع، رشد آسیب‌های اجتماعی توسعه‌ی غیر رسمی کلان‌شهرها، کاهش کیفیت زیست و رفاه شهری مسائل سکونتی و ناهنجاری‌های رفتاری در شهرها و ... ضرورت ایجاد و گسترش پایگاه‌های آموزش شهروندی در سطح شهر را تأکید و تأیید می‌کند. به ویژه در این زمینه تقویت و ارتقای آگاهی شهروندان از مسایل شهری، یک نیاز جدی است. اگر چه بیش از یکصد سال از عمر برنامه‌ریزی شهری نوین می‌گذرد، ولی بیشتر تحولات و تغییرات معطوف به شرایط و امکانات کالبدی نظیر ساخت بزرگراه‌ها، ساختمان‌ها و ... بوده است و اندیشه و تفکر برنامه‌گرا مشخصی در خصوص آگاهی بخشی به شهروندان کمتر مورد عنایت و اهتمام قرار گرفته است. بی‌هیچ اغراق از میان همه عوامل مختلف تأثیر گذار سهم متغیر آگاهی شهروندی، پایدارتر و جدی‌تر است چون آگاهی شهروندی مردم از حیث حقوق و مسئولیت‌ها، زمینه ساز ارتقای آموزش مهارت‌های زندگی شهری را فراهم می‌نماید و این مهم یکی از وظایف سنگین هر مدیریت شهری است. به دیگر سخن، بطور کلی مسیری که موجب می‌شود تا مدیریت‌های شهری امروزی موفق به شهروندسازی شهری شوند، تبدیل (حق زندگی در شهر<sup>۱</sup>) به (حق نسبت به شهر<sup>۲</sup>) است؛ به عبارت دیگر، شهروندی شهری<sup>۳</sup> در اصل به معنای گره زدن هویت‌های شهری به شهروندی و شهرداری است و یادآور بازگشت به شهر شهروندان<sup>۴</sup> و بازشناسی رسمی حقوق ساکنان شهر نسبت به شهر و وظایف آنان در قبال شهر و شهرنشینی است. هر چند امروزه شهرنشینیان به اصطلاح شهروندان - کاربران<sup>۵</sup> هستند، یعنی در زندگی روزمره‌ی شهری، شهر را از راه تجربه و مصرف بازتولید می‌کنند؛ مفهوم شهروند شهری فراتر از این‌هاست. به این معنا در شهروندی شهری، ترکیبی از نسبت میان حق نسبت به شهر (حق شهروندی به شهر) و وظیفه در قبال شهر (وظیفه‌ی شهروندی در شهر) دیده

<sup>1</sup> right in city

<sup>2</sup> right to city

<sup>3</sup> urban citizenship

<sup>4</sup> citizens city

<sup>5</sup> citizens-users

می‌شود (آسچر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴)؛ که در این میان، اهمیت دانش و اطلاعات، برای دستیابی به شرایط بهینه در هر زمینه‌ای از جمله در مسایل مربوط به شهر بر همگان آشکار است (فریک و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). دانش همچون ابزاری جهت غلبه بر موانع مدیریتی و اجرایی بکار گرفته می‌شود؛ تاکنون مطالعات متعددی به بررسی تأثیر دانش و آگاهی بر رفتار انسانی پرداخته و نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که فقدان دانش مانع مؤثری در برابر الگوی مناسب رفتار شهروندی است (باتلر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷)؛ لذا در چنین شرایطی، مدیریت شهری نیازمند به الزامات و واجد ویژگی‌های مختلفی است؛ که یکی از مهم‌ترین آنها توجه به مسأله‌ی آگاهی شهروندی (رعایت شدن حقوق<sup>۴</sup> و مسئولیت‌ها<sup>۵</sup>) است که یکی از موضوعات مهم در سیاست‌گذاری‌های شهری شهروندی تلقی می‌گردد؛ چرا که می‌دانیم که «دانش» پایه‌ی «عمل» است، پس طرح هر گونه رویه‌ی عملی برای آموزش شهروندی رده‌ی اول منوط به دانش و آگاهی است (نجاتی حسینی، ۱۳۹۱: ۶۰-۱۱).

با توجه به آنچه که پیش از این به آن اشاره نمودیم، طی دهه‌های اخیر توجه به موضوع آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری در سطح ملی به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است؛ چرا که سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، راهبردها و ضوابط قانونی در خلاء آگاهی عمومی، به نتایج قابل توجهی نخواهد رسید و علاوه بر اختلال در مدیریت شهرها، خود شهروندان را نیز با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد کرد. به عبارت دیگر داشتن زندگی مناسب در کنار دیگران و بهره‌مندی از مزایای شهر بدون آگاهی از حقوق و مسئولیت‌ها مرتبط با آن تحقق نمی‌یابد؛ لذا نتایج این تحقیق می‌تواند موجبات توسعه و تعمیق آموزش‌های شهروندی را در درازمدت و اتخاذ تدابیر لازم برای باز تولید روش‌های مناسب آموزش شهروندی را در کوتاه‌مدت برای آموزش شهروندان فراهم نماید.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

شیانی و فاطمی‌نیا (۱۳۸۸)، تحقیقی را با عنوان: میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی، به انجام رساندند. جامعه‌ی آماری تحقیق شهروندان بالای ۱۶

<sup>1</sup> Ascher

<sup>2</sup> Frick & et al

<sup>3</sup> Butler & et al

<sup>4</sup> Rights

<sup>5</sup> Responsibilities

سال شهر تهران بوده است. حجم نمونه‌ی تحقیق بعد از حذف پرسشنامه‌های نامناسب و نیمه تمام به میزان ۷۶۷ نفر بوده است. این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین آگاهی شهروندان در حوزه‌ی فرهنگی می‌باشد و پایین‌ترین میزان آگاهی شهروندان تهرانی در حوزه‌ی آگاهی سیاسی است (شیانی و فاطمی‌نیا، ۱۳۸۸: ۸۰-۶۰).

ایمانیان و اسکافی (۱۳۸۵)، تحقیقی را با عنوان: بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن، به انجام رساندند. این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله‌ی شهر مشهد بوده است. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد از حجم نمونه از حقوق و تکالیف شهروندی آگاهی زیادی داشته‌اند و آگاهی مردان بیشتر از زنان بوده است. همچنین با افزایش بعد خانوار و پایگاه اقتصادی فرد، میزان آگاهی نیز افزایش پیدا کرده است. مهم‌ترین متغیر مؤثر بر میزان آگاهی شرکت در انتخابات بوده است. طرز تلقی جوانان از نوع و میزان مشارکت در امور شهری به‌عنوان وظایف شهروندی، سن پاسخگو، میزان آگاهی سیاسی، جو سیاسی خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده متغیرهای مؤثر دیگری بوده‌اند که تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند (ایمانیان و اسکافی، ۱۳۸۵: ۳۳-۱).

احمدی (۱۳۸۳)، پایان‌نامه‌ای را با عنوان: شهروندی و مشارکت مدنی: بررسی تأثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرآیند تحقق شهروندی، به انجام رساند. در این پایان‌نامه تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی انتخاب عقلانی، مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و میزان و شدت درگیری‌های مدنی بر آگاهی از حقوق و تعهدات در نظر گرفته شده است. روش تحقیق پیمایشی و تکنیک تحقیق پرسشنامه بوده است. واحد تحلیل سرپرست خانوار ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی کم و تعهدات شهروندی از آن کمتر می‌باشد؛ همچنین میزان درگیری و مشارکت مدنی شهروندان در سطح پایینی قرار دارد و می‌توان آنها را در قالب درگیری‌های برخوردی و ارتباطی و درگیری‌های اعتراضی طبقه‌بندی نمود؛ همچنین نوع درگیری شهروندان با میزان سرمایه‌ی اجتماعی و انتخاب عقلانی شهروندان همبستگی معناداری را نشان داده است (احمدی، ۱۳۸۳).

شیانی (۱۳۸۲)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان: وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران؛ در پی شناسایی ابعاد مختلف وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در جامعه‌ی ایران بوده و در صدد بوده تا با تکیه بر نتایج بتواند راهکارها و راهبردهای مناسب جهت پی‌ریزی اساسی حقوق و مسئولیت‌های افراد و نهادهای جامعه ارائه دهد. روش تحقیق پیمایش و تکنیک گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. برای نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. براین اساس شهر تهران، زاهدان و همدان به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که شهروندی در این سه شهر در حد کم و متوسط تحقق یافته است. اما میزان تحقق به شکل پیوستاری در میان جوامع قابل مشاهده است بطوری که بیشترین میزان تحقق شهروندی در تهران و کمترین حد آگاهی و عمل به حقوق و وظایف شهروندی در زاهدان به دست آمده و همدان در حد میانی قرار می‌گیرد. در مجموع نتایج نشان می‌دهد که شهروندی در ایران پدیده‌ای نو و در حال تحقق است، اما موانعی بر سر راه است که امری قابل پیش‌بینی به شمار می‌آورد و تحقق کامل آن نیازمند پیش‌شرطها و الزامات خاص است. طبق یافته‌های حاصل از این پایان‌نامه، اصلی‌ترین موانع تحقق شهروندی را از یک سو می‌توان به فقدان و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان مربوط دانست که به توانمندی جامعه باز می‌گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی، مهارت‌های فکری و مشارکتی، نبود وضعیت رفاهی مناسب عدم مشارکت و حضور در فعالیتهای داوطلبانه و نظام شخصیت افراد، که لازم است تحولاتی در عناصر ساختاری و آگاهی و نگرش‌های فردی به وجود آید (شیانی، ۱۳۸۲).

با مروری بر تحقیقات داخلی که موضوع شهروندی را در زمینه‌ی آگاهی مورد بررسی قرار داده‌اند می‌توان گفت که، اکثر تحقیقات انجام شده به بررسی میزان آگاهی شهروندی از حیث حقوق و وظایف، تعهدات، تکالیف، مسئولیت‌ها در سطح ملی (شهروندی ملی) پرداخته‌اند؛ اما در تحقیق حاضر مفهومی از شهروندی مد نظر قرار دارد که به حقوق و مسئولیت‌های شهری شهرنشینان پرداخته و متولی استیفای آگاهی شهروندی که متشکل از دو بعد حق و مسئولیت بوده، به معنای خاص در سطح محلی است (شهروندی شهری)؛ که در این میان، اقتضایات جامعه‌ی شهری، نظام‌های مدیریت شهری، نهادهای محلی و شهری، مقامات محلی، شوراهای شهر و به خصوص شهرداری‌ها، اهمیت و جایگاه خاصی دارند.

**ب) تحقیقات خارجی**

برون و کریستینسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، در مقاله‌ی مشترک خود با عنوان: سیاست‌گذاری‌های شهری و حق نسبت به شهر: حقوق وظایف و شهروندی؛ معتقدند اهمیت شهروندی شهری در این است که برخلاف شهروندی دولت - ملت که کاملاً سیاسی و فقط شامل بومی‌ها آن هم با تعلقات ملی می‌شود، شهروندی شهری شامل تمام افرادی است که فارغ از بومی بودن، بومی نبودن و اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، زبانی، تاریخی، ساکن شهر هستند. آنان از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند. بر این اساس حس تعلق به شهر و مسئولیت در برابر آن؛ داشتن حق و مسئولیت متقابل نسبت به هم و به شهر شورای شهر و شهرداری؛ داشتن هویت مشترک شهری از محل زندگی به‌عنوان محور تمام فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها و مشارکت جدی در تمام صحنه‌های زندگی شهری است.

ویترمارک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای با عنوان: شهروندی شهری و بحث تنوع قومی در آمستردام؛ معتقد است که شهروندسازی شهری در جوامع جنوب، می‌تواند بر برخی از چالش‌هایی که ناشی از چند فرهنگ‌گرایی شهری و ناشهروندی شهری است غلبه کند. همچنین می‌توان از این راهبرد برای تقویت فرهنگ شهروندی اقلیت‌ها، که ناچیز و ضعیف است استفاده کرد؛ و نیز با تأکید بر هویت‌های شهروندی و شهری نزدیک به هم، مدیریت‌های شهری جنوب، به روش‌های مختلفی از جمله: استفاده از ساختار شهری مدیریتی به صورت نرم و سخت جهت تحقق سیاست‌های شهروندی شهری استفاده از ظرفیت شراکتی بخش‌های عمومی و خصوصی شهری و نیز مشارکت نهادهای مدنی شهری جهت تقویت شهروندی شهری چند قومی فرهنگی، تأکید بر شهرنشینان حاشیه‌ای و جذب بیشتر آنان در بدنه سیاست شهری مشارکتی، می‌توانند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند.

ساسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای با عنوان: تغییر موقعیت شهروندی؛ بر این نظر است که مدیریت‌های شهری ناگزیر به سمت نوع خاصی از شهروندسازی شهری روی آورده‌اند؛ لذا شهروندسازی شهری گریزناپذیر خواهد بود. به نظر ساسن شهرهای جهانی فضاهای محلی هستند که از تمام ملت‌ها و نژادها و اقوام در آن ساکن شده‌اند. برای این منظور رعایت

<sup>1</sup> Brown & Kristiansen

<sup>2</sup> Vitermark and et all

<sup>3</sup> Sassen

همه‌جانبه حقوق شهروندی ساکنان شهر با حفظ هویت خاص شهروندی‌شان، مسئله‌ی سیاست شهروندی شهری را مطرح می‌کند.

بابوک<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان: شهروندسازی شهری، با توجه به پیامدهای سیاسی شهروندی در سطح دولت - ملت از ضرورت توجه به شهروندی در سطح شهری یاد می‌کند و معتقد به شهروندسازی شهری از طریق اقداماتی چون: استفاده از توان مشارکتی شهروندان برای تصمیم‌گیری، توجه به دولت شهر جای دولت ملت، بسط دموکراسی ملی از طریق دموکراسی شهری تن دادن به الزامات کثرت‌گرایی فرهنگی از خلال شهروندی شهری است چرا که گسترش دایره‌ی شهروندی از خلال شهروندی شهری است.

بطور کلی، بررسی تحقیقات خارجی انجام شده در حوزه‌ی شهروندی شهری، حکایت از این موضوع دارد که اکثر تحقیقات از لحاظ کارهای تجربی و تحقیقات میدانی چندان غنی نمی‌باشند؛ و بیشتر به تبیین و ارائه‌ی راهبردها و سیاست‌های شهروندسازی پرداخته‌اند؛ چرا که در "برنامه‌ی اهداف هزاره‌ی سوم" برای جهانی‌سازی شهروندی شهری؛ برنامه‌هایی تنظیم شده که حاوی اهداف، راهبردها و خط‌مشی‌های شهری است. این برنامه‌ها ناظر به سیاست‌هایی برای تقویت شهروندی در شهر یا شهروندی شهری است که یکی از مضامین محوری آن، توجه به حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهری است.<sup>۲</sup> در اکثر تحقیقات، هر کشوری متناسب با شرایط خاص خود با این سیاست‌ها بطور خاص توجه کرده است؛ همچنین لازم به ذکر است که به طرح‌هایی اشاره شده است که به تجربه‌های جهانی برای سیاست‌گذاری در زمینه‌ی شهروندسازی شهری تبدیل شده‌اند؛ بطور کلی خلاصه مبانی و اصول سیاست‌های شهری شهروندی را می‌توان این‌گونه شمرد<sup>۳</sup>:

<sup>۱</sup> Baubock

<sup>۲</sup> European Charter for the Safeguarding of Human Rights in Cities (*ECSHRC*), The network of Cities for Human Rights (*NCHR*), Improving the Quality of Life of Theirs Inhabitants (*IQLI*), European Charter for Equality of Women & Men in Local Life (*ECEWMLL*), Promotion of Local Democracy & Good Governance (*PLDAGG*).

<sup>۳</sup> برگرفته از این منابع: (والترز و همکاران، ۲۰۱۴؛ برون، ۲۰۱۳؛ چن و همکاران، ۲۰۱۲؛ مارکوزا، ۲۰۱۰؛ برون و کریستینسن، ۲۰۰۹؛ ترمبلی، ۲۰۰۸؛ گرونوالد، ۲۰۰۹؛ روان، ۲۰۰۹؛ بولزاندھی و کاف، ۲۰۰۹؛ بوکل، ۲۰۰۷؛ کریستینسن، ۲۰۰۶؛ فیگاروس، ۲۰۰۶؛ رایت، ۲۰۰۶؛ پاتنادو، ۲۰۰۶؛ وارسانی، ۲۰۰۶؛ ویتوماک و همکاران، ۲۰۰۵؛ ساسن، ۲۰۰۴؛ بابوک، ۲۰۰۳).

- مبانی کنش اجتماعی شهری
- مبانی تولید فضای شهری حق زیست‌شهری بر مبنای فضای عمومی شهری
- مشارکتی، همبستگی اجتماعی شهری و مشارکت شهری برابر
- مبانی فضای مشارکتی شهری
- مبانی کثرت‌گرایی شهری
- مبانی حق و مسئولیت شهر زیستی

### چهارچوب نظری پژوهش

#### یورگن هابرماس (دسترسی برابر به مشارکت و شهروندی)

در نظر هابرماس (به طور خاص) و در اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی معاصر بطور عام این حوزه‌ی نوپدید به‌عنوان حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی مطرح شده است. از نظر وی دریافت حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند و در نقش شهروندی فرد، به‌عنوان عضو تمام جامعه‌ی خود می‌گردد (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷). در جامعه‌ی مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرآیند جمعی و مشارکت فعالانه‌ی شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها این است که با ایجاد زمینه‌ی مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند (هابرماس، ۱۹۹۴). نظریه‌ی این جامعه‌شناس بر شرایط دسترسی برابر به مشارکت در گفتمان عقلانیت مرکز یافته که به صورت اجتماعات مختلف پیشنهاد می‌شود. به نظر او جامعه‌ی مدنی نظامی از اجتماعات است که گفتمان ناظر بر مسائل عمومی را نهادینه می‌کند و بستری برای تحقق شهروندی ایجاد می‌نماید (کارتر، ۲۰۰۱: ۱۵۹). بر همین مبنا وی مشارکت و حضور در عرصه‌ی عمومی را معرف اصلی شهروندی می‌داند؛ و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه‌ی بیشتر قرار می‌دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی در بافت حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت که پیش‌شرط ظهور آن تعدد و تکثر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسئولیت حقوق شهروندی است؛ به عبارت دیگر، از رهگذر جامعه‌ی مدنی در حوزه‌ی عمومی که حد واسط نظام سیاسی و بخش‌های خصوصی است؛ مسائل مختلف حل خواهد شد. در این حوزه‌ها افراد مسئولیت‌ها و حقوق خود به‌عنوان شهروند را پذیرفته و قادر به بیان نظرها و عقایدشان می‌شوند؛ بنابراین هابرماس بر ضرورت وجود عرصه‌ی عمومی تأکید دارد و معتقد است که وجود مکانی آزاد برای گفتمان یا به عبارتی عرصه‌ی عمومی و همچنین عضویت در



تشکل‌ها بر افزایش میزان آگاهی شهروندی مؤثر است (هابرماس، ۱۹۹۴؛ شیانی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۴).

#### برایان.اس. ترنر (دسترسی به منابع و شهروندی)

یکی از نظریه‌پردازان معاصر که با مرور تاریخی بر مفهوم شهروندی و تحلیل و نقد تعاریف و نظریه‌های موجود سعی در ترکیب و ارائه‌ی نظریه‌ی جدید نموده، ترنر است. از دید ترنر شهروندی مجموعه حقوقی و وظایف، مسئولیت‌هایی است که به افراد هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند؛ برخلاف تفکرات فلسفی و سیاسی، شهروندی از منظر جامعه‌شناسی به نهادهایی که در جامعه تجسم‌یافته است و حقوق و وظایف به افراد اعطا می‌کند، توجه می‌شود. از دید ترنر، وقتی حقوق قانونی و تعهدات به‌عنوان موقعیت رسمی، نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب در جامعه را به مردم اعطا می‌کند؛ شهروندی نیز بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت می‌کند (ترنر، ۲۰۰۰ و شیانی، ۱۳۸۱). به عبارتی دیگر می‌توان گفت، ترنر شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق و وظایف قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه‌ی معین تعریف شده و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. ترنر به نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد. در بین شرایط اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه نمود چرا که همچون واسطه‌ای، آگاهی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۱۰). رسانه‌های جمعی باید همچون واسطه‌ای بی‌طرف افراد را آگاه سازند و با ارائه‌ی اطلاعات به افراد منجر به شکل‌گیری آگاهی می‌شوند و به معنای اعم آن می‌توانند آموزش‌دهنده و ارتقاءدهنده‌ی شناخت و درک عمومی باشند.

لازم به ذکر است که، حقوق و مسئولیت‌ها (به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی شهروندی) ماهیت رابطه‌ی دو سویه‌ی میان شهروند و جامعه‌ی نوین را در سطح کلان (شهروندی ملی) و شهروند و اقتضایات جامعه‌ی شهری، نظام‌های مدیریت شهری، نهادهای محلی و شهری، مقامات محلی، شوراهای شهر و به خصوص شهرداری‌ها را در سطح خرد ترسیم می‌کند (شهروندی شهری). از آنجایی که هدف این تحقیق بررسی میزان آگاهی شهروندی شهری شهروندان می‌باشد، لذا، شهروندی عام مورد توجه (هابرماس و ترنر) در سطح خرد آن (شهروندی شهری) مورد بررسی قرار گرفته است.

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری تابعی مثبت از مشارکت در نهادهای مدنی است به طوری که مشارکت بیشتر فرد در نهادهای مدنی احتمالاً آگاهی را افزایش می‌دهد.
- ۲- آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری تابعی مثبت از میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی است به طوری که میزان استفاده بیشتر فرد از وسایل ارتباط جمعی، احتمالاً آگاهی را افزایش می‌دهد.
- ۳- احتمالاً بین مشخصات فردی (زمینه‌ای) شهروندان و میزان آگاهی شهروندی آنان نسبت به امور شهری تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها: در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، فرد (شهروند) و تحلیل در سطح خرد می‌باشد. برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته استفاده گردیده است. این پرسشنامه در راستای اهداف و سؤالات تحقیق تهیه شده و پس از کسب اطمینان از ملاک‌های روایی و اعتبار، مورد استفاده قرار گرفته است. پرسشنامه‌ی مذکور دارای سؤالات باز و بسته بوده است.

جامعه‌ی آماری و شیوه‌ی نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری این تحقیق کلیه‌ی شهروندان شهر ساری با ضابطه‌ی سنی ۱۸ سال و بالاتر است؛ اطلاعات جامعه‌ی آماری، بر اساس آمار به دست آمده از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مازندران در سال ۱۳۹۰ حاصل شد؛ دسترسی به واحد آماری در هر یک از مناطق سه‌گانه‌ی شهر ساری از طریق حوزه‌ی و بلوک بوده است. مراحل محاسبه تعداد نمونه در این تحقیق عبارتند از: مرحله‌ی اول (پیش‌آزمون): آمار و اطلاعات مربوط به جامعه‌ی آماری استخراج شده و آزمون مقدماتی انجام شده است.

مرحله‌ی دوم (انتخاب تعداد نمونه‌ی کل): از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، برای افزایش دقت و قابلیت مقایسه بین مناطق شهری استفاده شد. مطابق با نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، تعداد نمونه در طبقات بر اساس آمار و اطلاعات استخراج شده و آزمون مقدماتی انجام گرفته است.

مرحله‌ی سوم (تعداد خوشه‌های نمونه): تعداد خوشه‌های نمونه در مناطق شهری با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده محاسبه گردید. در مجموع ۲۱۷ حوزه، ۳۲ حوزه‌ی منتخب به‌عنوان نمونه تعیین گردید.

مرحله‌ی چهارم (تعداد خانوارهای نمونه در هر حوزه): تعداد نمونه در هر یک از حوزه‌های شهری منتخب ۱۲ نفر ( $12 = 370/32 = 11/56$ ) و با فاصله یکسان تعیین شد. طبق نتایج به دست آمده، حجم نمونه‌ی کل لازم برای تعمیم به جمعیت تحقیق ۳۷۰ (در هر حوزه ۱۲ نفر) شهروند می‌باشد. با توجه به احتمال مخدوش شدن پرسشنامه‌ها در اثر پاسخ ندادن، پاسخ‌های نامربوط، الگوی یکنواختی در پاسخ‌دهی و غیره و برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، تعداد نمونه در حوزه‌های منتخب به صورت یکسان (در هر حوزه‌ی ۱۴ نفر) و با فاصله برابر تعیین شد؛ و در مجموع ۴۴۸ پرسشنامه تکثیر و توزیع گردید و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، در نهایت ۴۳۷ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آماره‌های استنباطی استفاده شده است؛ همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم‌افزار «SPSS» و «Lisrel» استفاده شده است.

اعتبار و پایایی ابزار سنجش: در این تحقیق برای سنجش پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ بدین ترتیب که پس از تنظیم پرسشنامه یک مرحله‌ی پیش‌آزمون مقدماتی با نمونه‌ی ۶۰ نفری در نقاط شهری (۲۰ نفر در مناطق ۱، ۲ و ۳) تکمیل و پایایی پرسشنامه از طریق سازگاری درونی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ انجام شد. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس آگاهی از حقوق ۰/۶۶، آگاهی از مسئولیت‌ها ۰/۸۷، و برای مقیاس آگاهی شهروندی شهری، ۰/۸۷ بدست آمد که از اعتماد ابزار تحقیق حکایت دارد. با توجه به این امر، پرسشنامه در بین جامعه‌ی آماری توزیع شد. همچنین در این تحقیق برای حصول اطمینان از اعتبار ابزار مورد استفاده، از روش اعتبار محتوایی استفاده شده است. برای سنجش اعتبار محتوای پرسشنامه، از آرای متخصصان، اساتید دانشگاه و کارشناسان شهرداری استفاده شده و با انجام مصاحبه‌های گوناگون اصلاحات لازم به میان آمد و بدین ترتیب اطمینان حاصل گردید که پرسشنامه همان خصیصه‌ی مورد نظر محققین را می‌سنجد؛ همچنین، یکی از صورت‌های اعتبار سازه استفاده از تحلیل عاملی تأییدی می‌باشد که در این تحقیق، برای سنجش اعتبار سازه‌ی تجربی مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرهای وابسته، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده

است که در مدل اندازه‌گیری لیزرل مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از مدل اندازه‌گیری آگاهی شهروندی شهری حاکی از آن است که هر یک از مؤلفه‌ها به خوبی توانسته‌اند، سازه‌ی اصلی را اندازه‌گیری کنند و دارای اعتبار سازه می‌باشند؛ چرا که بار عاملی ابعاد بیشتر از ۰/۵ بوده است. در متغیر مکنون آگاهی شهروندی شهری، بعد مسئولیت‌ها دارای خطای اندازه‌گیری کمتر (۰/۱۹) نسبت به بعد حقوق (۰/۵۱) و بار عاملی بیشتر بوده و در نتیجه، سنجه‌ی مناسب‌تری می‌باشد.

### تصریح مفاهیم و سنجش متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری: شهروندی شهری در اصل به معنای گره زدن هویت‌های شهری به شهروندی و شهرداری است و یاد آور بازگشت به شهر شهروندان و بازشناسی رسمی حقوق ساکنان شهر نسبت به شهر و وظایف آنان در قبال شهر و شهرنشینی است (آسچر، ۲۰۰۴). به دیگر سخن، شهروندی شهری به معنای ترکیبی از نسبت میان حق نسبت به شهر (حق شهروندی به شهر یا حقوق شهروندی شهری) و مسئولیت در قبال شهر (مسئولیت شهروندی در شهر یا مسئولیت‌های شهروندی شهری) است؛ اما آگاهی شهروندی شهری، به معنای شناخت شهروندان از مسئولیت‌های نظام‌های مدیریت شهری، نهادهای محلی و شهری، مقامات محلی، شوراهای شهر و به خصوص شهرداری‌ها در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای مسئولیت‌هایشان است. آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی نسبت به شهر، زمینه‌ی انجام وظایف دو جانبه را فراهم می‌کند و باعث پاسخ‌خواهی شهروندان از مدیریت شهری خواهد شد؛ بنابراین میزان آگاهی افراد از حقوق و مسئولیت‌هایشان نسبت به امور شهر در میزان تحقق شهروندی شهری و ارتقا آن نقش مؤثری دارد. در تحقیق حاضر، به منظور سنجش عملی متغیر آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری، از مطالعه‌ی اکتشافی استفاده شده است. مطالعه‌ی اکتشافی شامل خواندن متون و مصاحبه‌های اکتشافی می‌باشد. بدین منظور، با مصاحبه از محققان و متخصصان و کارشناسان شهرداری و افرادی که به لحاظ شغلی یا مسئولیت شناخت خوبی از مسئله‌ی تحقیق دارند؛ گزاره‌های آگاهی شهروندی شناسایی شدند؛ سپس با مطالعه‌ی منابع موجود در این زمینه، گزاره‌های آگاهی شهروندی شهری بر حسب ابعاد تأثیرش (حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهری) انتخاب شده است. لازم به ذکر است که گزاره‌های حقوق و مسئولیت‌های شهروندی شهری از سر فصل موضوعات آموزش شهروندی و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران (اداره‌ی کل آموزش

و مشارکت‌های اجتماعی، ۱۳۹۴-۱۳۸۶)، پرسشنامه‌ی شهروندی فعال (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰-۷)، پرسشنامه‌ی حقوق و مشارکت شهروندی (احمدی، ۱۳۸۳)، پرسشنامه‌ی شفافیت (تیمورنژاد، ۱۳۸۲) و حقوق شهری و شهرسازی (کامیار، ۱۳۸۹) استخراج شده است. ضمن اینکه با بررسی ساختار سازمانی و حوزه‌های شهرداری ساری و همچنین وظایف و مأموریت‌های این سازمان به ویژه در زمینه‌ی آموزش‌های شهروندی شاخص‌هایی در ارتباط با (حقوق و مسئولیت‌ها) شناسایی شدند و سؤالات مشخصی در قالب شاخص‌های عملیاتی شده، سازمان‌دهی شدند تا تحلیل‌های لازم با سهولت بیشتری امکان‌پذیر گردد. در این تحقیق، به منظور سنجش آگاهی شهروندی، از دو بعد حقوق و مسئولیت‌ها استفاده گردید. سپس برای سنجش بعد حقوق از ۱۳ مؤلفه (حق قوانین و مقررات ساخت و ساز شهری، حق خدمات اجتماعی، حق حمل و نقل و ترافیک، حق زیست‌شهری سالم و ایمن، حق بازخواست مدیریت شهری، حق رسیدگی به شکایات، حق فراغت و تفریح، حق هویت شهری بومی و اصیل، حق پاسخگویی مسئولان شهری، حق آموزش عوارض شهری، حق دسترسی به اطلاعات مدیریت شهری، حق انتخاب مقامات شهری، حق نظارت و پایش عملکرد مسئولان شهری) و در مجموع از ۳۲ سؤال به صورت باز (نمره ۱ به پاسخ درست و نمره ۰ به پاسخ نادرست) و بسته (طیف ۲ قسمتی {صحیح: نمره ۱، غلط: نمره ۰}) استفاده شده و همچنین برای سنجش مسئولیت‌ها نیز از ۱۳ مؤلفه (لزوم تلاش برای حفظ محیط زیست، لزوم کمک به پیشبرد شهر سالم، پویا و با نشاط، لزوم مراقبت و استفاده درست از تأسیسات عمومی شهر، لزوم تبعیت از قوانین شهری، لزوم استفاده از امکانات و خدمات شهری، لزوم اطلاع از روزنامه‌های محلی، لزوم حفظ هویت شهری بومی و اصیل، لزوم احترام به اقوام، لزوم اطلاع از انواع پرداخت عوارض شهری، لزوم شرکت در انتخابات مقامات شهری، لزوم چگونگی انتخاب مقامات شهری لزوم اطلاع از اخبار سیاسی شهر، لزوم نظارت و پایش عملکرد مسئولان شهری و ارایه‌ی انتقاد سازنده برای اداره‌ی شهر) و در مجموع از ۳۵ سؤال به صورت باز (نمره ۱ به پاسخ نادرست و نمره ۵ به پاسخ درست) و بسته‌ی (طیف ۵ درجه‌ای {خیلی زیاد: نمره ۵، زیاد: نمره ۴، گاهی اوقات: نمره ۳ کم: نمره ۲، اصلاً: نمره ۱}) استفاده شده است.

### متغیرهای مستقل

میزان استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی: منظور از میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی این است که پاسخگویان تا چه حد از وسایل ارتباط جمعی مختلف همچون رادیو،

تلویزیون، ماهواره و ... استفاده می‌کنند و چه میزان از وقتشان را به آن‌ها اختصاص می‌دهند. به منظور سنجش این متغیر، ۶ نوع وسایل ارتباط جمعی (راديو، تلویزیون، ماهواره اینترنت، روزنامه و مجله) انتخاب شده است. از پاسخگویان پرسیده شد که در طول هفته تا چه میزان از هر یک از این ۶ نوع وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند؛ سپس پاسخ‌ها در طیف ۵ درجه‌ای {خیلی زیاد (نمره: ۵)، زیاد (نمره: ۴)، گاهی اوقات (نمره: ۳) کم (نمره: ۲)، اصلاً (نمره: ۱)} تنظیم گشته است.

*میزان مشارکت در نهادهای مدنی: نهادهای مدنی تشکیل‌های مردم محور یا مردم نهاد هستند که قابلیت سازمان‌دهی پیدا کرده و توانسته‌اند اشکال یک هویت شکل گرفته را جاری سازند. در فرآیند مشارکت‌پذیری نقش واسطه‌ای را میان مردم و دولت به معنای اعم ایفا می‌کنند و عضویت و همکاری در آنها داوطلبانه است (نژادبهرام، ۱۳۸۷؛ داودوندی، ۱۳۸۸: ۸۱). به منظور سنجش مشارکت در نهادهای مدنی، از دو متغیر "میزان عضویت" و "میزان همکاری" افراد در عرصه‌های عمومی و مدنی استفاده شده است. میزان عضویت و همکاری پاسخگویان با نهادهای مدنی با استفاده از ۹ نهاد (بسیج، انجمن اسلامی گروه‌ها و هیئت‌های مذهبی، هلال احمر، گروه‌ها و نهادهای خیریه، گروه‌ها و کانون‌های ادبی و هنری، گروه‌ها و تیم‌های ورزشی، گروه‌ها و انجمن‌های علمی، سایر تشکلهای غیر دولتی نظیر محیط زیست و ...) پرسیده شد. نمره‌ی (۱) به پاسخ {عضویت دارم} و نمره‌ی (۰) به پاسخ {عضویت ندارم} اختصاص داده شده است؛ همچنین برای سنجش میزان همکاری پاسخگویان با نهادهای مدنی پاسخ‌ها به صورت طیف ۵ درجه‌ای {خیلی زیاد (نمره: ۵)، زیاد (نمره: ۴) گاهی اوقات (نمره: ۳)، کم (نمره: ۲) اصلاً (نمره: ۱)} تنظیم گردید.*

*استانداردسازی: برای سنجش این متغیر، از سه بعد تحصیلات، درآمد و نوع شغل استفاده شده است. سؤالات به صورت باز در پرسشنامه مطرح شده است. با مراجعه به "جدول ساختار پرستیژ شغلی در ایران (نایبی و عبدالهیان، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۲۱۷) نمره‌ی پرستیژ شغلی تعیین شده است؛ سپس ابعاد سه‌گانه‌ی فوق استاندارد و پس از ترکیب کردن آنها با هم، متغیر مورد نظر بدست آمده است.*

*هم‌رزی کردن گویه‌ها: یکی از دشواری‌های کار با مقیاس‌ها خواه با گویه‌های استاندارد و خواه با نمرات خام، تشخیص حد بالا و پایین مقیاس بسته به تعداد گویه‌های آن، توزیع آن‌ها، تعداد طبقات آن گویه، حداقل و حداکثر نمره‌ی هر گویه مقادیر مختلفی می‌گیرد. برای غلبه بر این مسایل و مشهودتر کردن معنای نمرات مقیاس، بهتر است مقیاس‌ها را به*

گونه‌ای تغییر دهیم که مقادیر دارای حداقل و حداکثر مشخص گردند (دواس، ۱۳۹۰: ۲۶۷). یکی از طرق چنین تعدیلی فرمول زیر است:

$$n \times \text{دامنه} / (\text{مقدار حداقل در مقیاس} - \text{مقدار سابق}) = \text{مقیاس جدید}$$

در این تحقیق، ابعاد متغیر وابسته (آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری) شامل: بعد حقوق و مسئولیت‌ها به دلیل برابر نبودن تعداد گویه‌ها و تعداد طبقات هر گویه، هم‌ارز شده‌اند.

### یافته‌های پژوهش

توصیف خصوصیات جمعیت نمونه بر حسب مشخصات فردی نشان داد که از مجموع شهروندان مورد مطالعه، ۵۹/۷ درصد را مردان و ۴۰/۳ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان متأهل، شاغل، در گروه سنی میانسالان (۳۰-۵۹) قرار داشته‌اند و محل تولدشان نیز ساری بوده است. حدود نیمی از پاسخگویان سرپرست خانوار بوده‌اند. متوسط میزان درآمد ماهیانه‌ی خانوار پاسخگویان بین (۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان) و (یک تا یک و نیم میلیون تومان) بوده است. میزان تحصیلات لیسانس و دیپلم بیشترین میزان پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. اکثر پاسخگویان به لحاظ قومیت، گیلک و مازنی و سپس فارس بوده‌اند؛ همچنین، ۳۲ درصد از پاسخگویان را شهروندان ساکن در منطقه‌ی (۱)، ۳۰/۲ درصد در منطقه‌ی (۲) و ۳۷/۸ درصد از آنان را شهروندان ساکن در منطقه‌ی (۳) تشکیل داده‌اند.

### توصیف متغیر وابسته بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

مطابق جدول ۱، نتایج داده‌ها از توصیف متغیر وابسته بر حسب متغیرهای زمینه‌ای بیانگر آن است که بیش از نیمی از شهروندان به میزان متوسطی (۷۰/۹ درصد) آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری دارند. سهم آگاهی مردان به میزان متوسط و بالایی بیشتر از سهم آگاهی زنان است. میزان آگاهی شهروندی شهری در میان متأهلین، سرپرستان خانوار و پاسخگویانی که وضعیت فعالیت‌شان (شاغل و بازنشسته) می‌باشد؛ بیشتر از بقیه بوده است. میزان آگاهی شهروندی شهری در میان شهروندانی که در گروه سنی سالمندان (بالای ۶۰) قرار دارند، به ترتیب بیشتر از گروه‌های سنی میانسالان (۳۰-۵۹) و جوانان (۲۹-۱۸) بوده است؛ سیر میزان آگاهی شهروندی شهری به ترتیب از گروه‌های سنی سالمندان، میانسالان و جوانان، نزولی بوده است. به عبارتی، روند درصدها حاکی از آن بوده که با افزایش سن میزان آگاهی نیز افزایش می‌یابد. همچنین شهروندان ساکن در منطقه‌ی

(۲)، با قومیت فارس و شهروندانی که محل تولدشان (سایر شهرهای مازندران) بوده است، بیشترین میزان آگاهی شهروندی شهری را در میان پاسخگویان داشته‌اند.

**جدول ۱:** توزیع درصدی میزان آگاهی شهروندی شهری بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	مقوله	آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری	
		پایین	متوسط
جنسیت	زن	۲/۸	۶۵/۳
	مرد	۱/۱	۷۴/۷
وضعیت تأهل	مجرد	۴/۵	۸۳/۹
	متاهل	۰/۶	۶۶
	مطلقه	-	۱۰۰
سمت در خانوار	سرپرست خانوار	۰/۴	۶۶/۷
	همسر سرپرست خانوار	۲/۳	۷۰/۵
	فرزند سرپرست خانوار	۴/۳	۸۱/۲
وضعیت فعالیت	خانه‌دار	۴/۲	۴۶/۵
	شاغل	۰/۴	۷۳/۵
	بازنشسته	-	۶۳/۶
	بیکار جویای کار	۵/۳	۹۴/۷
	دانشجو	۷/۵	۹۰
گروه سنی	جوانان ۱۸-۲۹	۳/۸	۷۵/۸
	میانسالان ۳۰-۵۹	۰/۸	۶۸/۱
	سالمنان بالای ۶۰	-	۶۶/۷
قومیت	فارس	۱/۱	۶۴/۴
	گیلک و مازنی	۲/۲	۷۲/۴
	کرد	-	۱۰۰
	لر و لک	-	۱۰۰
	ترک	-	۱۰۰
	ترکمن	-	۱۰۰
منطقه‌ی سکونت	منطقه‌ی ۱	۲/۹	۷۱/۴
	منطقه‌ی ۲	۳	۶۵/۹
	منطقه‌ی ۳	-	۷۴/۵
محل تولد	ساری	۲/۱	۶۹/۹
	سایر شهرهای مازندران	-	۷۸
	روستاهای مازندران	۱/۴	۶۷/۱
	سایر نقاط ایران	۳/۷	۷۴/۱
جمع کل	-	۱/۸	۷۰/۹



## توصیف متغیرهای مستقل

توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از رسانه‌های جمعی به تفکیک جنسیت

جدول ۲: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان استفاده از رسانه‌های جمعی به تفکیک

## جنسیت

رسانه‌های جمعی	گزینه	زن	مرد	جمع کل
رادیو	اصلاً	۳۸/۶	۴۱/۸	۴۰/۵
	کم	۳۰/۱	۲۷/۲	۲۸/۴
	گاهی اوقات	۲۵	۱۶/۱	۱۹/۷
	زیاد	۵/۷	۱۲/۳	۹/۶
	خیلی زیاد	۰/۶	۲/۷	۱/۸
تلویزیون	اصلاً	۴/۵	۵	۴/۸
	کم	۱۰/۲	۱۴/۲	۱۲/۶
	گاهی اوقات	۳۴/۱	۲۸/۴	۳۰/۷
	زیاد	۳۹/۸	۴۰/۶	۴۰/۳
	خیلی زیاد	۱۱/۴	۱۱/۹	۱۱/۷
اینترنت	اصلاً	۱۸/۸	۲۳/۸	۲۱/۷
	کم	۱۴/۲	۱۴/۹	۱۴/۶
	گاهی اوقات	۲۴/۴	۱۷/۲	۲۰/۱
	زیاد	۲۲/۲	۲۸	۲۵/۶
	خیلی زیاد	۲۰/۵	۱۶/۱	۱۷/۸
ماهواره	اصلاً	۳۵/۸	۴۸/۳	۴۳/۲
	کم	۱۸/۲	۲۲/۲	۲۰/۶
	گاهی اوقات	۲۷/۸	۱۴/۲	۱۹/۷
	زیاد	۱۳/۶	۱۱/۵	۱۲/۴
	خیلی زیاد	۴/۵	۳/۸	۴/۱
جمع کل	کم	۲۵/۶	۳۳	۳۰
	متوسط	۷۲/۲	۶۴	۶۷/۳
	زیاد	۲/۳	۳/۱	۲/۷

طبق داده‌های جدول ۲، نتایج داده‌ها بیانگر آن است که بیش از نیمی از پاسخگویان در سطح متوسطی (۶۷/۳ درصد)، از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند؛ در مقایسه‌ی دو جنس داده‌ها بیانگر میزان استفاده‌ی بیشتر زنان نسبت به مردان از وسایل ارتباط

جمعی بوده است؛ و همچنین در بین وسایل ارتباط جمعی، (تلویزیون) بیشترین میزان استفاده پاسخگویان را در سطح زیاد و خیلی زیادی (۵۲ درصد) به خود اختصاص داده است.

### توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت در نهادهای مدنی به تفکیک جنسیت

طبق جدول ۳، در مورد متغیر مشارکت در نهادهای مدنی، اکثر شهروندان (۸۵/۶ درصد) میزان مشارکتشان در نهادها و انجمن‌های مدنی در سطح پایینی می‌باشد و تنها تعداد اندکی از شهروندان در سطح متوسطی (۱۳/۵ درصد) در نهادهای مدنی مشارکت دارند. همچنین لازم به ذکر است که برای بدست آوردن متغیر مشارکت، دو متغیر «عضویت در نهادهای مدنی» و «همکاری با نهادهای مدنی» با یکدیگر ترکیب شده است که داده‌ها نشان می‌دهد؛ میزان عضویت، بیش از نیمی از شهروندان (۶۹/۹ درصد) در نهادهای مدنی پایین است و همچنین میزان همکاری اکثر شهروندان (۹۵/۹ درصد) با نهادهای مدنی در سطح پایینی می‌باشد؛ بیشترین میزان (عضویت و همکاری) زنان در نهادهای مدنی به ترتیب مربوط به نهادهای (بسیج) و (خیریه) می‌باشد و بیشترین میزان (عضویت و همکاری) مردان به ترتیب مربوط به نهادهای (بسیج) و (ورزشی) بوده است؛ لذا ذکر این نکته حائز اهمیت می‌باشد که، اگر چه به نظر می‌رسد مردان و زنان در همان نهادی که بیشتر عضویت دارند در همان نهاد هم بیشتر متمایل به همکاری هستند؛ اما ارزیابی دو متغیر (عضویت و همکاری) نشان می‌دهد که عضویت پاسخگویان در نهادهای مدنی به مراتب وضعیت بهتری نسبت به همکاری آنان با نهادهای مدنی دارد؛ به عبارتی پاسخگویانی صرفاً در نهادهایی عضویت دارند، ولی هیچ‌گونه همکاری با این نهادها ندارند؛ که این امر نیازمند بررسی‌های بیشتر نیز می‌باشد؛ و همچنین از دیگر نتایج قابل توجه در این خصوص، بررسی مقایسه‌ی دو جنس است که داده‌ها بیانگر میزان مشارکت بیشتر مردان نسبت به زنان در نهادهای مدنی می‌باشد؛ که مشارکت بیشتر مردان نسبت به زنان در دو متغیر (عضویت در نهادها) و (همکاری با نهادها) نیز صدق می‌کند. در مجموع می‌توان گفت، نتایج حاصل از مشارکت در این تحقیق همسو با نتایج حاصل از تحقیقاتی است که در زمینه‌ی مشارکت مدنی کار شده است؛ بطوری که می‌توان گفت: امروز در ارتباط با مشارکت مدنی شهروندان ایرانی با سه مسئله روبرو هستیم:

۱- پایین بودن میزان مشارکت مدنی شهروندان ایرانی اعم از مردان و زنان

۲- پایین بودن نرخ مشارکت مدنی زنان در مقایسه با مردان

۳- متفاوت بودن کم و کیف مشارکت مدنی در بین خود زنان

حل مسئله‌ی اول، یعنی ارتقای میزان مشارکت مدنی شهروندان ایرانی بدون وجود یک برنامه‌ی توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار در سطح ملی و حل مسئله‌ی دوم، یعنی رفع کاهش و نابرابری‌ها موجود بین نرخ مشارکت زنان و مردان بدون رفع مسئله‌ی تبعیض جنسیتی و بالاخره حل مسئله‌ی سوم، یعنی کاهش تفاوت‌های موجود بین کم و کیف مشارکت مدنی زنان بدون رفع یا کاهش نابرابری‌های اجتماعی فراجنسیتی امکان‌پذیر نخواهد بود (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۹۹-۶۳)؛ همچنین ذکر این نکته بسیار ضروری مهم و اساسی است که اتخاذ یک استراتژی عام برای ارتقای کم و کیف مشارکت مدنی مردان و زنان نیازمند نگاهی تاریخی - تطبیقی است؛ چرا که مشارکت اجتماعی زنان و مردان در طول تاریخ تحت تأثیر شرایط و عوامل ذهنی و عینی عدیده‌ای در سطوح خرد، میانی و کلان، کم و کیف متفاوتی پیدا کرده است. این تفاوت جنبه‌ی جنسیتی هم به خود گرفته است، بطوری که زنان در اغلب دوره‌های تاریخی صرف‌نظر از این که متعلق به چه قوم طبقه و قشر و یا گروهی بوده‌اند، در سلسله مراتب ساختار اجتماعی در مقایسه با مردان موقعیت پایین‌تری داشته‌اند. این نابرابری جنسیتی در قالب سایر اشکال نابرابری‌های رابطه‌ای رتبه‌ای موجود در جامعه اثرات منفی مضاعفی بر حیات اجتماعی زنان باقی گذاشته است و نقش آنان را در فرآیند تحولات تاریخی چنان کم‌رنگ جلوه داده است که ابوالفضل بیهقی بزرگ‌ترین مورخ ایران مردان را بزرگ‌ترین عنصر سازنده‌ی تاریخ معرفی کرده است (براهنی، ۱۳۵۰: ۱۴؛ به نقل از عبداللهی، همان: ۶۴). علیرغم رشد فعالیت‌های مدنی و مساعد بودن شرایط جهانی برای تعریض و تحکیم نهادهای مدنی، پدیده‌ی مشارکت مدنی و رشد نهادهای غیر وابسته به دولت در جوامع در حال گذار امروزی چون ایران در نخستین مراحل سیر تکوینی خود به سر می‌برد؛ لذا، در جامعه‌ی در حال گذار امروزی ایران که با دو مسئله‌ی نظم و توسعه روبروست تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت مدنی، بویژه زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکل می‌دهند و تولید ایده‌ها و داده‌های علمی معتبر و ارزشمند و ارائه‌ی راهبردهای مبتنی بر یافته‌های نظری و تجربی جهت ارتقا و نهادمندی مشارکت مدنی مردم، از ضرورت و اهمیت علمی و اجتماعی قابل توجهی برخوردار است.

جدول ۳: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت مدنی به تفکیک جنسیت

مشارکت مدنی	ابعاد	گزینه	زن	مرد	جمع کل
بسیج	عضویت	عضویت دارم	۴۰/۹	۵۳/۶	۴۸/۵
		عضویت ندارم	۵۹/۱	۴۶/۴	۵۱/۵
	همکاری	اصلاً	۷۶/۱	۵۷/۵	۶۵
		کم	۱۰/۲	۱۳	۱۱/۹
		گاهی اوقات	۱۰/۲	۱۶/۹	۱۴/۲
		زیاد	۲/۳	۷/۷	۵/۵
عضویت	خیلی زیاد	۱/۱	۵	۳/۴	
	عضویت دارم	۵/۷	۱۲/۳	۹/۶	
انجمن اسلامی	عضویت	عضویت ندارم	۹۴/۳	۸۷/۷	۹۰/۴
		اصلاً	۹۶/۶	۸۸/۵	۹۱/۸
	همکاری	کم	۲/۳	۳/۸	۳/۲
		گاهی اوقات	۱/۱	۳/۸	۲/۷
		زیاد	-	۱/۹	۱/۱
		خیلی زیاد	-	۱/۹	۱/۱
عضویت	عضویت دارم	۱۹/۳	۴۳/۳	۳۳/۶	
	عضویت ندارم	۸۰/۷	۵۶/۷	۶۶/۴	
گروه‌ها و هیئت‌های مذهبی	همکاری	اصلاً	۸۶/۹	۵۹/۴	۷۰/۵
		کم	۳/۴	۸/۴	۶/۴
	گاهی اوقات	۶/۲	۱۷/۲	۱۲/۸	
	زیاد	۲/۸	۹/۲	۶/۶	
	خیلی زیاد	۰/۶	۵/۷	۳/۷	
عضویت	عضویت دارم	۴/۵	۸	۶/۶	
	عضویت ندارم	۹۵/۵	۹۲	۹۳/۴	
هلال احمر	همکاری	اصلاً	۹۶	۹۳/۹	۹۴/۷
		کم	۳/۴	۲/۳	۲/۷
	گاهی اوقات	-	۲/۳	۱/۴	
	زیاد	-	۱/۱	۰/۷	
	خیلی زیاد	۰/۶	۰/۴	۰/۵	
عضویت	عضویت دارم	۲۹/۵	۲۴/۹	۲۶/۸	
	عضویت ندارم	۷۰/۵	۷۵/۱	۷۳/۲	
گروه‌ها و نهادهای خیریه	همکاری	اصلاً	۷۹	۷۸/۲	۷۸/۵
		کم	۹/۱	۷/۷	۸/۲
	گاهی اوقات	۶/۸	۱۰/۳	۸/۹	
	زیاد	۴	۲/۳	۳	
	خیلی زیاد	۱/۱	۱/۵	۱/۴	
عضویت	عضویت دارم	۹/۱	۹/۲	۹/۲	
گروه‌ها و کانون‌های ادبی و	عضویت				

مشارکت مدنی	ابعاد	گزینه	زن	مرد	جمع کل
هنری	همکاری	عضویت ندارم	۹۰/۹	۹۰/۸	۹۰/۸
		اصلا	۹۳/۲	۹۰/۴	۹۱/۵
		کم	۳/۴	۱/۹	۲/۵
		گاهی اوقات	۲/۳	۴/۶	۳/۷
		زیاد	۱/۱	۲/۷	۲/۱
		خیلی زیاد	-	۰/۴	۰/۲
گروه‌ها و تیم‌های ورزشی	عضویت	عضویت دارم	۱۷	۴۵/۲	۳۳/۹
		عضویت ندارم	۸۳	۵۴/۸	۶۶/۱
		اصلا	۸۶/۴	۵۸/۶	۶۹/۸
	همکاری	کم	۲/۳	۶/۹	۵
		گاهی اوقات	۱۰/۲	۱۵/۳	۱۳/۳
		زیاد	۱/۱	۱۳	۸/۲
گروه‌ها و انجمن‌های علمی	عضویت	عضویت دارم	۸	۱۳/۸	۱۱/۴
		عضویت ندارم	۹۲	۸۶/۲	۸۸/۶
		اصلا	۹۳/۲	۸۶/۲	۸۹
	همکاری	کم	۲/۳	۳/۴	۳
		گاهی اوقات	۲/۸	۶/۵	۵
		زیاد	۱/۱	۳/۱	۲/۳
سایر تشکل‌های غیر دولتی (نظیر محیط زیست و ...)	عضویت	عضویت دارم	۶/۸	۹/۲	۸/۲
		عضویت ندارم	۹۳/۲	۹۰/۸	۹۱/۸
		اصلا	۹۳/۸	۹۱/۲	۹۲/۲
	همکاری	کم	۴/۵	۳/۴	۳/۹
		گاهی اوقات	۱/۱	۲/۷	۲/۱
		زیاد	۰/۶	۱/۱	۰/۹
جمع کل	عضویت	پایین	۸۰/۷	۶۱/۳	۶۹/۱
		متوسط	۱۷/۶	۳۳/۷	۲۷/۲
		بالا	۱/۷	۵	۳/۷
	همکاری	پایین	۱۰۰	۹۳/۱	۹۵/۹
		متوسط	-	۶/۵	۳/۹
		بالا	-	۰/۴	۰/۲
مشارکت مدنی	پایین	۹۶	۷۸/۵	۸۵/۶	
	متوسط	۴	۱۹/۹	۱۳/۵	
	بالا	-	۱/۵	۰/۹	

### آزمون تفاوت معناداری بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

#### آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت تأهل

جدول ۴، آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت تأهل شهروندان می‌باشد. همان‌طور که از نتایج آزمون بر می‌آید، تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری شهروندان بر حسب وضعیت تأهل، در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد ( $Sig = ۰/۰۰۰$ ). به عبارتی در زمینه‌ی آگاهی شهروندی شهری، تفاوت مهمی وجود دارد؛ بدین ترتیب که میزان آگاهی متأهلین به مراتب بیشتر از مجردها و مطلقه‌ها است؛ و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول ۴: آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت تأهل

آگاهی شهروندی شهری		مقوله	متغیر
F	میانگین		
۱۳/۵۰ $Sig = ۰/۰۰۰$	۱/۲۷	مجرد	وضعیت تأهل
	۱/۳۷	متأهل	
	۱/۳۱	مطلقه	

نتایج آزمون *LSD* بیانگر، تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت تأهل بین شهروندانی که مجرد هستند و شهروندانی که متأهل هستند، می‌باشد. اختلاف میانگین میان این دو گروه ۱۰/۵۱- بوده و این اختلاف معنادار است. به عبارتی دیگر، میزان آگاهی شهروندی شهری در بین متأهلین بطور معناداری بیشتر از مجردان است.

جدول ۵: آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت تأهل با آزمون *LSD*

وضعیت تأهل	اختلاف میانگین	سطح معناداری ( <i>Sig</i> )
مجرد/متأهل	-۱۰/۵۱	۰/۰۰۰
مجرد/مطلقه	-۴/۱۰	۰/۶۲
متأهل/مجرد	۱۰/۵۱	۰/۰۰۰
متأهل/مطلقه	۶/۴۱	۰/۴۴
مطلقه/مجرد	۴/۱۰	۰/۶۲
مطلقه/متأهل	-۶/۴۱	۰/۴۴

## آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب سمت در خانوار

جدول ۶: آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب سمت در خانوار

آگاهی شهروندی شهری		مقوله	متغیر
F	میانگین		
۱۲/۶۹ Sig = ۰/۰۰۰	۱/۳۶	سرپرست خانوار	سمت در خانوار
	۱/۳۸	همسر سرپرست خانوار	
	۱/۲۷	فرزند سرپرست خانوار	

جدول ۶، آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب سمت در خانوار می‌باشد. داده‌های جدول بیانگر آنست که میانگین آگاهی شهروندی شهری در میان شهروندان با سمت مختلف در خانوار متفاوت بوده و این تفاوت معنادار می‌باشد ( $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ ). به عبارتی در زمینه‌ی آگاهی شهروندی شهری تفاوت مهمی وجود دارد؛ بدین ترتیب که میزان آگاهی سرپرستان و همسران سرپرست خانوار به مراتب بیشتر از فرزندان سرپرست خانوار است.

جدول ۷: آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب سمت در خانوار با آزمون LSD

سطح معناداری (Sig)	اختلاف میانگین	سمت در خانوار
۰/۵۸	-۱/۲۵	سرپرست خانوار / همسر سرپرست خانوار
۰/۰۰۰	۹/۶۹	سرپرست خانوار / فرزند سرپرست خانوار
۰/۵۸	۱/۲۵	همسر سرپرست خانوار / سرپرست خانوار
۰/۰۰۰	۱۰/۹۴	همسر سرپرست خانوار / فرزند سرپرست خانوار
۰/۰۰۰	-۹/۶۹	فرزند سرپرست خانوار / سرپرست خانوار
۰/۰۰۰	-۱۰/۹۴	فرزند سرپرست خانوار / همسر سرپرست خانوار

نتایج آزمون LSD، بیانگر آنست که میانگین آگاهی شهروندی شهری شهروندان با سمت سرپرست خانوار و همسر سرپرست خانوار با شهروندانی که فرزند سرپرست خانوار هستند، متفاوت است.

### آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت فعالیت

جدول ۸ نشان می‌دهد، میانگین آگاهی شهروندی شهری در میان شهروندان با وضعیت مختلف فعالیت، متفاوت می‌باشد. با توجه به آماره  $F$  محاسبه شده (۶/۷۶)، تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت فعالیت، در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد ( $Sig= ۰/۰۰۰$ ). به عبارتی در زمینه آگاهی شهروندی شهری تفاوت مهمی وجود دارد. بدین ترتیب که میزان آگاهی افراد بازنشسته به مراتب بیشتر از (خانه‌دارها، شاغلان، افراد بیکار، دانشجویان) است؛ و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول ۸: آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت فعالیت

آگاهی شهروندی شهری		مقوله	متغیر
$F$	میانگین		
۶/۷۶ $Sig = ۰/۰۰۰$	۱/۴۱	خانه‌دار	وضعیت فعالیت
	۱/۳۴	شاغل	
	۱/۴۲	بازنشسته	
	۱/۲۵	بیکار جویای کار	
	۱/۲۳	دانشجو	

طبق داده‌های جدول ۹، تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت فعالیت با آزمون توکی بیانگر آن است که میانگین آگاهی شهروندی شهری شهروندانی که خانه‌دار و بازنشسته هستند با افراد بیکار و دانشجو و همچنین شاغلین با دانشجویان تفاوت معناداری دارد.



**جدول ۹:** آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب وضعیت فعالیت با آزمون

*Tukey*

وضعیت فعالیت	اختلاف میانگین	سطح معناداری (Sig)
خانه‌دار / شاغل	۶/۱۹	۰/۱۲
خانه دار / بازنشسته	-۱/۲۸	۱/۰۰
خانه دار / بیکار جویای کار	۱۶/۱۱	۰/۰۱
خانه دار / دانشجو	۱۷/۹۶	۰/۰۰۰
شاغل / خانه‌دار	-۶/۱۹	۰/۱۲
شاغل / بازنشسته	-۷/۴۷	۰/۴۵
شاغل / بیکار جویای کار	۹/۹۲	۰/۲۱
شاغل / دانشجو	۱۱/۷۷	۰/۰۰۳
بازنشسته / خانه‌دار	۱/۲۸	۱/۰۰
بازنشسته / شاغل	۷/۴۷	۰/۴۵
بازنشسته / بیکار جویای کار	۱۷/۰۴	۰/۰۳
بازنشسته / دانشجو	۱۹/۲۵	۰/۰۰۱
بیکار جویای کار / خانه‌دار	-۱۶/۱۱	۰/۰۱
بیکار جویای کار / شاغل	-۹/۹۲	۰/۲۱
بیکار جویای کار / بازنشسته	-۱۷/۴۰	۰/۰۳
بیکار جویای کار / دانشجو	۱/۸۵	۰/۹۹
دانشجو / خانه‌دار	-۱۷/۹۶	۰/۰۰۰
دانشجو / شاغل	-۱۱/۷۷	۰/۰۰۳
دانشجو / بازنشسته	-۱۹/۲۵	۰/۰۰۱
دانشجو / بیکار جویای کار	-۱/۸۵	۰/۹۹

**آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب گروه سنی**

نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها در جدول ۱۰ نشان می‌دهد، مقایسه‌ی میانگین‌ها بیانگر اختلاف معنادار میزان آگاهی شهروندی شهری در میان گروه‌های سنی پاسخگویان، در سطح ۹۵ درصد می‌باشد ( $Sig= ۰/۰۰۰$ ). به عبارتی در زمینه‌ی آگاهی شهروندی شهری بین گروه‌های سنی تفاوت مهمی وجود دارد. بدین ترتیب که میزان آگاهی سالمندان (بالای ۶۰) به مراتب بیشتر از جوانان (۲۹-۱۸) و میانسالان (۵۹-۳۰) است؛ و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است. لذا بنظر می‌رسد پاسخگویانی که در گروه سنی سالمندان قرار دارند؛ به مراتب آگاهی بالاتری نسبت به میانسالان و جوانان دارند و این

سیر نزولی است. به عبارتی، روند میانگین‌ها نشان می‌دهد که با افزایش سن میزان آگاهی نیز افزایش می‌یابد.

**جدول ۱۰:** آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب گروه سنی

آگاهی شهروندی شهری		مقوله	متغیر
F	میانگین		
۸/۰۰۴ Sig = ۰/۰۰۰	۱/۳۰	۱۸-۲۹ (جوانان)	گروه سنی
	۱/۳۷	۳۰-۵۹ (میانسالان)	
	۱/۴۵	بالای ۶۰ (سالمنان)	

نتایج آزمون *LSD* بیانگر، تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب گروه‌های سنی بین شهروندانی که در گروه‌های سنی جوانان (۱۸-۲۹) قرار دارند و نیز شهروندانی که در گروه‌های سنی میانسال (۳۰-۵۹)، قرار دارند، می‌باشد. اختلاف میانگین میان این دو گروه، ۶/۸۱- بوده و این اختلاف معنادار است.

**جدول ۱۱:** آزمون تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب گروه‌های سنی با آزمون *LSD*

گروه سنی	اختلاف میانگین	سطح معناداری (Sig)
۱۸-۲۹ / ۳۰-۵۹	-۶/۸۱	۰/۰۰۰
۱۸-۲۹ / بالای ۶۰	-۱۵/۵۳	۰/۰۱
۱۸-۲۹ / ۳۰-۵۹	۶/۸۱	۰/۰۰۰
۳۰-۵۹ / بالای ۶۰	-۸/۷۲	۰/۱۷
بالای ۶۰ / ۱۸-۲۹	۱۵/۵۳	۰/۰۱
بالای ۶۰ / ۳۰-۵۹	۸/۷۲	۰/۱۷

در جمع‌بندی آزمون‌های معناداری انجام شده می‌توان گفت، یافته‌های حاصل از آزمون‌های تفاوت میانگین آگاهی شهروندی شهری بر حسب (تأهل، سمت در خانوار، وضعیت فعالیت، سن)، کاملاً با هم تطابق دارند («وضعیت تأهل: متأهلین نسبت به مجردها»، «سمت در خانوار: سرپرستان و همسران سرپرست خانوار نسبت به فرزندان سرپرست خانوار»، «وضعیت فعالیت: بازنشسته‌ها، خانه‌دارها نسبت به دانشجویان و افراد بیکار و جویای کار و همچنین شاغلین نسبت به دانشجویان»، «گروه‌های سنی: گروه سنی

میانسالان نسبت به گروه سنی جوانان» و حاکی از پایین بودن سطح آگاهی شهروندی شهری در بین فرزندان و تفاوت معنی‌دار آن با سطح آگاهی والدین است و به عبارتی دیگر، پایین بودن سطح آگاهی جوانان در این خصوص را نشان می‌دهد؛ از دیگر یافته‌های این بخش که بر اهمیت این موضوع در این زمینه می‌افزاید آن است که ضعف آگاهی شهروندی شهری در بین دانشجویان (که در گروه سنی جوانان قرار دارند) نشان می‌دهد که در ایران بین سطح تحصیلات و آگاهی شهروندی شهری رابطه‌ی مثبتی وجود ندارد؛ لذا می‌توان گفت تمام این یافته‌ها دلالت بر ضعف آگاهی شهروندی شهری در بین جوانان است که می‌تواند پیامدهای مهمی در آینده‌ی نظام شهری ایران داشته باشد؛ لذا، ذکر این نکته‌ی مهم به نظر می‌رسد که "بی‌تردید نظام آموزشی در سراسر جهان برای پاسخگویی به نیازها و ضرورت‌های معینی شکل گرفته و توسعه‌یافته است که در کانون آن، آماده‌سازی نسل جدید به صورت شهروندانی مؤثر و فعال برای ورود به جامعه است؛ به عبارت روشن‌تر تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین دلایل توجیه‌کننده‌ی ضرورت و اهمیت آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی در روزگار کنونی است. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در اکثر کشورهای جهان، آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای زندگی در جامعه و آموزش راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی به یک دل‌مشغولی تمام عیار برای مقامات آموزشی تبدیل شده است و طیف وسیعی از تلاش‌ها و تدابیر آموزشی و پژوهشی صرف شناسایی ابعاد شهروندی و نحوه‌ی مؤثر ارزش‌ها و ویژگی‌های مورد نظر دانش‌آموزان می‌شود (فتحی و دیبا، ۱۳۸۱: ۶۲-۳۴)؛ بنابراین، نهاد تعلیم و تربیت نقش بسیار مهمی در افزایش آگاهی افراد از حیث حقوق و مسئولیت‌ها بر عهده دارد. نهادی که از یک طرف افراد را آموزش می‌دهد و آنان را با حقوق و مسئولیت‌ها آشنا می‌کند و از طرف دیگر شیوه‌های تأمین این حقوق و مسئولیت‌ها را آموزش می‌دهد.

### تحلیل رگرسیون چندگانه آگاهی شهروندی شهری

#### رگرسیون چندگانه آگاهی شهروندی شهری بر اساس متغیرهای مستقل و زمینه‌ای

جدول ۱۲، نشان‌دهنده‌ی تأثیرات متغیرهای مستقل و زمینه‌ای بر "آگاهی شهروندی شهری" می‌باشد. همبستگی چندگانه ( $R$ ) متغیرهای مستقل با وابسته معادل  $0/522$  می‌باشد. ضریب تعیین ( $R^2$ ) نشان‌دهنده‌ی آنست که حدود ۲۷ درصد تغییرات آگاهی شهروندی شهری در میان شهروندان ساوی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود و ۷۳ درصد باقیمانده‌ی متعلق به عوامل دیگری است که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته

است. با توجه به مقدار  $t$  محاسبه شده، در میان متغیرهای وارد شده در مدل، متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت در نهادهای مدنی معنادار می‌باشند؛ به علاوه این که متغیرهای: جنسیت، سن، وضعیت تأهل و وضعیت فعالیت تأثیر معناداری بر آگاهی داشته‌اند.

همبستگی مرتبه‌ی صفر، تفکیکی و نیمه تفکیکی: در جداول تحلیل رگرسیون ۹، سه نوع همبستگی «مرتبه‌ی صفر»، «تفکیکی» و «نیمه تفکیکی» محاسبه شده است. همبستگی «مرتبه‌ی صفر»، رابطه‌ی متغیرهای مستقل و وابسته را بدون کنترل اثر متغیرهای دیگر محاسبه می‌کند؛ به عبارتی دیگر، همبستگی معمولی را همبستگی مرتبه‌ی صفر می‌خوانند زیرا در آن هیچ کنترلی روی متغیرها صورت نمی‌گیرد. همبستگی «نیمه تفکیکی»، با کنترل اثر متغیرهای مستقل، همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته را می‌سنجد؛ و در نهایت همبستگی «تفکیکی»، اثرات سایر متغیرها را حذف کرده و تنها همبستگی خالص میان دو متغیر وابسته و مستقل را می‌سنجد؛ همبستگی تفکیکی، برای شناسایی همبستگی کاذب بین دو متغیر استفاده می‌شود. با توجه به داده‌های این جدول:

۱. متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، بدون کنترل اثر متغیرهای دیگر، به میزان  $0/362$  با آگاهی شهروندی شهری همبستگی داشته است. با کنترل اثر سایر متغیرها، میزان همبستگی نیمه تفکیکی این متغیر با آگاهی شهروندی شهری به  $0/306$  رسیده و با حذف اثر سایر متغیرها، میزان همبستگی آن با متغیر وابسته به  $0/338$  تقلیل یافته است.

۲. همبستگی متغیر مشارکت در نهادهای مدنی بدون کنترل اثر متغیرهای دیگر،  $0/061$  بوده که با کنترل اثر متغیرهای مستقل دیگر، میزان همبستگی نیمه تفکیکی آن معادل  $0/112$  شده و با حذف تأثیر سایر متغیرها، میزان همبستگی آن با آگاهی شهروندی شهری،  $0/130$  شده است که میزان این سه نوع همبستگی نشان‌دهنده‌ی آن است که با کنترل اثر سایر متغیرها، میزان همبستگی مشارکت در نهادهای مدنی با آگاهی شهروندی شهری افزایش یافته است.

آزمون هم‌خطی: به منظور تشخیص هم‌خطی میان متغیرهای مستقل از دو شاخص «ضریب حداقل تحمل» و «تورم واریانس» استفاده شده است. برای عدم هم‌خطی میان متغیرهای مستقل ضریب حداقل تحمل باید نزدیک به او مقدار تورم واریانس کمتر از ۴

باشد. داده‌های جدول ۹ نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل این تحقیق هم خطی وجود ندارد و فرض هم‌خطی متغیرهای مستقل رد می‌شود.

**جدول ۱۲:** مدل رگرسیون چندگانه آگاهی شهروندی شهری بر اساس متغیرهای مستقل و متغیرهای زمینه‌ای

مدل	B	Beta	T	Sig	همبستگی			
					مرتبه‌ی صفر <sup>۲</sup>	تفکیکی <sup>۳</sup>	نیمه تفکیکی <sup>۴</sup>	ضریب حداقل واریانس <sup>۶</sup>
میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	۱/۸۵۷	۰/۳۳۷	۵/۹۳۴	۰/۰۰۰	۰/۳۶۲	۰/۳۳۸	۰/۳۰۶	۰/۸۲۷
مشارکت در نهادهای مدنی	۰/۸۳۵	۰/۱۲۷	۲/۱۶۰	۰/۰۳۲	۰/۰۶۱	۰/۱۳۰	۰/۱۱۲	۰/۷۷۱
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۰/۴۴۴	۰/۰۵۸	۱/۰۰۶	۰/۳۱۵	۰/۰۶۱	۰/۰۶۱	۰/۰۵۲	۰/۸۱۰
جنسیت	-۶/۵۹۶	-۰/۱۸۵	-۳/۰۶۸	۰/۰۰۲	-۰/۲۰۹	-۰/۱۸۳	-۰/۱۵۸	۰/۷۳۶
سن	۰/۳۹۲	۰/۱۹۴	۳/۳۹۴	۰/۰۰۱	۰/۱۷۶	۰/۲۰۱	۰/۱۷۵	۰/۸۱۵
وضعیت تأهل	۷/۱۹۰	۰/۱۶۸	۲/۹۶۴	۰/۰۰۳	۰/۱۹۱	۰/۱۷۷	۰/۱۵۳	۰/۸۲۸
وضعیت فعالیت	-۷/۲۹۷	-۰/۱۴۲	-۲/۲۶۶	۰/۰۲۴	-۰/۲۴۱	-۰/۱۳۶	-۰/۱۱۷	۰/۶۸۱
ضریب همبستگی چندگانه		ضریب تعیین		ضریب تعیین تعدیل شده		F		سطح معناداری
۰/۵۲۲		۰/۲۷۲		۰/۲۵۳		۱۴/۵۷۶		۰/۰۰۰

**ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر آگاهی شهروندی شهری به تفکیک جنسیت**  
 جدول ۱۳، ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر "آگاهی شهروندی شهری" با کنترل چهار متغیر «سن»، «وضعیت تأهل»، «وضعیت فعالیت» و «پایگاه اقتصادی - اجتماعی» بر حسب جنسیت می‌باشد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۳۷ درصد از تغییرات آگاهی شهروندی شهری زنان و ۲۵ درصد از تغییرات آگاهی مردان توسط متغیرهای مستقل

<sup>1</sup> collinearity statistics

<sup>2</sup> zero order

<sup>3</sup> partial correlation

<sup>4</sup> part correlation coefficient

<sup>5</sup> tolerance

<sup>6</sup> variance inflation factor = vif

تبيين می‌شود. مقایسه‌ی ضرایب تأثیر استاندارد شده متغیرهای مستقل بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که در تبیین آگاهی شهروندی شهری زنان سهم متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی ( $Beta=0/40$ )، بیشتر است؛ همچنین در تبیین آگاهی شهروندی شهری زنان، تنها متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی معنادار می‌باشد. در تبیین آگاهی شهروندی مردان نیز میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی ( $Beta=0/33$ ) بیشترین سهم و بعد از آن، مشارکت در نهادهای مدنی ( $Beta=0/15$ ) قرار دارد که معنادار نیز می‌باشند. در نتیجه می‌توان گفت، سهم رسانه‌های جمعی در تبیین آگاهی شهروندی شهری زنان بیشتر از سهم آن در تبیین آگاهی مردان می‌باشد؛ که این امر می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تأثیرپذیری بیشتر زنان از رسانه‌های جمعی باشد.

**جدول ۱۳:** ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر آگاهی شهروندی شهری به تفکیک جنسیت

آگاهی شهروندی شهری		مدل
مرد	زن	
۰/۳۳**	۰/۴۰**	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی
۰/۱۵*	۰/۰۲	مشارکت در نهادهای مدنی
۰/۲۵	۰/۳۷	ضریب تعیین

\* به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و \*\* به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ معنادار است.

**ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر آگاهی شهروندی شهری به تفکیک منطقه سکونت**  
 جدول ۱۴، ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر "آگاهی شهروندی شهری" با کنترل متغیرهای «سن»، «وضعیت تأهل»، «وضعیت فعالیت»، «جنسیت» و «پایگاه اقتصادی - اجتماعی» بر حسب منطقه‌ی سکونت می‌باشد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از تغییرات آگاهی شهروندی شهری افراد ساکن در منطقه‌ی (۱) و ۳۵ درصد از تغییرات آگاهی افراد ساکن در منطقه‌ی (۲) و ۱۷ درصد از تغییرات آگاهی افراد ساکن در منطقه‌ی (۳) توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقایسه‌ی ضرایب تأثیر استاندارد شده‌ی متغیرهای مستقل بر حسب منطقه‌ی سکونت نشان می‌دهد که در تبیین آگاهی شهروندی شهری افراد ساکن در منطقه‌ی (۱) متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی ( $Beta=0/45$ ) بیشترین سهم و بعد از آن، مشارکت در نهادهای مدنی ( $Beta=0/34$ ) قرار دارد که معنادار نیز می‌باشند؛ همچنین در تبیین آگاهی شهروندی شهری افراد ساکن در منطقه‌ی (۲) و (۳) تنها متغیر، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی معنادار می‌باشد. در نتیجه

سهم میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در تبیین آگاهی شهروندی شهری افراد ساکن در منطقه‌ی (۱) بیشتر از سهم آن در تبیین آگاهی افراد ساکن در مناطق (۲) و (۳) می‌باشد. لازم به ذکر است که در مورد معناداری مشارکت تنها در میان شهروندان ساکن در منطقه‌ی (۱)، به نظر می‌رسد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی نقش متغیر مدخله‌گر و نهفته‌ی پررنگ‌تری نسبت به سایر متغیرها دارد؛ چرا که از یک‌سو، لازم به ذکر است که در بین متغیرهای مستقل، قوی‌ترین همبستگی میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت در نهادهای مدنی وجود داشت و از سوی دیگر طبق یافته‌های تحقیق حاضر، شهروندان ساکن در منطقه‌ی (۱) از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری نسبت به شهروندان ساکن در مناطق (۲ و ۳) برخوردارند.

**جدول ۱۴:** ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر آگاهی شهروندی شهری به تفکیک منطقه‌ی سکونت

آگاهی شهروندی شهری			مدل
منطقه‌ی ۱	منطقه‌ی ۲	منطقه‌ی ۳	
۰/۴۵**	۰/۲۷**	۰/۳۴**	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی
۰/۳۴**	۰/۱۵	۰/۰۲	مشارکت در نهادهای مدنی
۰/۴۵	۰/۳۵	۰/۱۷	ضریب تعیین

\* به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و \*\* به معنای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ معنادار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه‌ی اول تحقیق، مدعی است "آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری تابعی مثبت از میزان مشارکت فرد در نهادهای مدنی است به طوری که میزان مشارکت بیشتر فرد در نهادهای مدنی، احتمالاً آگاهی را افزایش می‌دهد؛" این فرضیه مورد تأیید واقع شده است، اما نکته‌ی قابل حائز اهمیت آن است که این متغیر بر حسب جنسیت تنها در بین مردان و بر حسب منطقه سکونت در بین شهروندان ساکن در منطقه‌ی ۱ معنادار می‌باشد، که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری نسبت به شهروندان ساکن در مناطق ۲ و ۳ برخوردار بوده‌اند.

بی‌گمان دستیابی به یک شهر شهروندمدار (رعایت شدن حق و مسئولیت) نیازمند مشارکت مردم در نهادهای مدنی است. این نهادها که از ویژگی‌های جوامع مدنی به شمار می‌روند؛ به‌عنوان نهادهای حائل میان دولت و شهروندان می‌باشد و افزایش آگاهی و دانش افراد در نتیجه‌ی رشد و شگفتگی این نهادها است. گسترش و تقویت این نهادها در غرب

عامل مهمی در پیدایش شهروندی و شهرهای خودفرما با شخصیت حقوقی بوده است (صرافی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۵-۱۳۶). اما پایین بودن میزان مشارکت مدنی شهروندان، به ویژه زنان یکی از مسائل اساسی جامعه‌ی در حال گذار امروزی ایران است و بدون شناخت مسائل و موانع پایین بودن مشارکت مردم در نهادهای مدنی، برنامه‌ریزی در جهت ارتقای کم و کیف آن بسیار مشکل خواهد؛ لذا سؤال اساسی این است که: مشارکت بیشتر شهروندان در نهادهای مدنی چگونه اتفاق می‌افتد؟ و با چه ساز و کارهایی تحقق این هدف مهم را می‌توان تمهید کرد؟ به عبارتی دیگر، چه مسائل و موانعی برای مشارکت شهروندان در نهادهای مدنی، به ویژه زنان وجود دارد؟

فرضیه‌ی دوم، مدعی است "آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری تابعی مثبت از میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی است به طوری که میزان استفاده‌ی بیشتر فرد از وسایل ارتباط جمعی، احتمالاً آگاهی را افزایش می‌دهد؛" این فرضیه مورد تأیید واقع شده است. همچنین لازم به ذکر است که ضرایب تأثیر متغیر رسانه‌های جمعی با آگاهی شهروندی شهری بر حسب جنسیت (در بین زنان و مردان) و منطقه‌ی سکونت (در میان سه منطقه) نیز معنادار می‌باشند؛ لذا، می‌توان گفت، رسانه‌های جمعی قوی‌ترین و مهم‌ترین متغیری است که بر آگاهی شهروندی شهری تأثیر می‌گذارد.

رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای زندگی مدرن و شهری هستند. امروزه که در موج سوم اطلاعاتی به سر می‌بریم، وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها چنان جایگاهی در زندگی شهروندان یافته‌اند که ناگزیریم آنها را در هر معادله‌ای لحاظ کنیم زیرا جامعه‌ی اطلاعاتی که مانوئل کاستلز در دهه‌ی ۱۹۸۰ بدان اشاره کرد، شکل گرفته است. بنابر تعریفی که بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه ارائه داده‌اند، رسانه‌ها حتی به باز تعریف مفاهیم اساسی زندگی روزمره می‌پردازند و از این منظر می‌توانند خود به معیاری برای تعریف واقعیت تبدیل شوند؛ لذا سواد رسانه‌ای می‌تواند یکی از مؤثرترین متغیرهای تأثیرگذار در آگاهی شهروندی باشد؛ همان‌طور که نتایج تحقیق حاضر نشان داده که رسانه‌های جمعی مهم‌ترین و قوی‌ترین متغیر تأثیرگذار در زمینه‌ی آگاهی است.

وسایل ارتباط جمعی به جامعه و افراد آن کمک می‌کند تا در مسیر و خط‌مشی معین خود موفق‌تر و با آگاهی و اطلاعات بیشتری حرکت کند، در چگونگی تعامل متقابل شهروندان تأثیر می‌گذارد و کنش‌ها و واکنش‌ها را جهت‌دار و متناسب با دیگر ابعاد جامعه می‌سازد. نهادهای اجتماعی را برجسته ساخته و گسترش می‌دهد و میان شهروندان احساسات عاطفی و روانی مشترکی می‌سازد.



پیچیدگی‌ها، همبستگی‌ها و وابستگی‌ها در ساختار نظام‌های اجتماعی، ایجاب می‌کند که وظیفه‌ی اصلی این وسایل، نشر جریان رویدادهای اجتماعی قرار بگیرد، تا انسان‌ها محیط زندگی را بهتر بشناسد؛ اهمیت و نقش آموزشی وسایل ارتباط جمعی در دنیای معاصر به حدی است که برخی از جامعه‌شناسان برای آن‌ها نقش «آموزش موازی» با آموزش دایمی قایل شده‌اند. حتی برخی اذعان کرده‌اند که خانواده و نهادهای آموزشی در حال رها کردن نقش آموزشی و پرورشی خود به وسایل ارتباط جمعی می‌باشند (معتدنونزاد، ۱۳۷۱)؛ بنابراین، در حال حاضر رسانه‌های ارتباط جمعی تأثیر مهمی بر روی زندگی عمومی شهروندان دارند و با برقراری ارتباط با حوادث و مسائل جاری، باعث شکل‌گیری هویت‌های جمعی در مورد یک موضوع خاص یا موضوعات مختلف می‌شوند و مسئول معنابخشی به شهروندان می‌شوند؛ عبارتی دیگر رسانه‌ها می‌توانند با استفاده از کارکردها و نقش‌های متنوع خود، نسبت به آرایه‌ی آگاهی عمومی و توجیه و جهت‌دهی افکار عمومی در جهت افزایش ادراک توده‌ی مردم، نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خود گامی مهم بردارند؛ به همین دلیل رسانه‌ها به نقطه‌ی تمرکز اصلی شهروندی تبدیل شده‌اند.

فرضیه‌ی سوم، مبنی بر اینکه "احتمالاً بین مشخصات فردی (زمینه‌ای) شهروندان و میزان آگاهی شهروندی آنان نسبت به امور شهری تفاوت معناداری وجود دارد"؛ مورد تأیید قرار گرفته است و تطابق یافته‌ها (سمت در خانوار، وضعیت تأهل و وضعیت فعالیت، گروه سنی) دلالت بر ضعف آگاهی در میان جوانان دارد؛ لذا می‌توان گفت، رفاہ هر جامعه‌ای به میزان زیادی به توانایی آن جامعه در انتقال دانش، مهارت‌ها و گرایش‌هایی بستگی دارد که برای ایفای نقش شهروندی شهروندان فعال و آگاه ضروری است. در بسیاری از کشورهایی که دارای جمعیت جوان هستند؛ دغدغه‌ی اصلی مربیان، محققان و دیگر افراد درگیر در مسائل آموزشی، آماده ساختن کودکان و نوجوانان برای مشارکت در یک زندگی شهروندی است؛ به همین دلیل یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی نظام آموزشی یک کشور، میزان موفقیت آن در فرایند شهروندسازی است. پس با عنایت به اهمیت آموزش‌های شهروندی و با توجه به اهداف آموزش و پرورش در تربیت شهروندانی آگاه، مشارکت‌جو و فعال، حال می‌توان این موضوع را به پرسش گرفت که نظام آموزشی ایران با چه راهکارهایی علمی و عملی موجبات تحقق این مهم (آموزش‌های شهروندی) را فراهم می‌آورد؟ در کتاب‌های درسی، تا چه اندازه به مقوله‌ها و شاخص‌های حقوق و مسئولیت‌ها توجه شده است؛ و مطالب ارائه شده در این کتاب‌ها تا چه اندازه دانش‌آموزان را از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی آگاه می‌سازند؟

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان اساسی‌ترین نهادی که مسئولیت آماده‌سازی و تربیت شهروندان را در کشور را بر عهده دارد؛ بی‌گمان با تربیت شهروندی به مثابه‌ی یکی از چالش‌زاترین و دشوارترین رسالت‌ها مواجه است. علی‌رغم اهمیت و ضرورت تربیت شهروندی و جایگاه ویژه‌ای که این مقوله در مجموعه نظام کلان آموزش و پرورش دارد صرف‌نظر از پژوهش‌های نادری که در این زمینه انجام شده است، دامنه‌ی تلاش‌ها در عرصه‌ی اقدامات برای جامعه‌ی ایران بسان حلقه‌ی مفقوده‌ای است که جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های نظام آموزشی را در حاله‌ای از ابهام و تردید قرار می‌دهد.

**فهرست منابع:**

- احمدی، فخری‌سادات (۱۳۸۳). شهروندی و مشارکت مدنی: تاثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی در شهر بر فرآیند تحقق حقوق شهروندی (مورد کلان‌شهر تهران)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء، تهران.
- اداره‌ی کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی (۱۳۹۴-۱۳۸۶). سرفصل موضوعات آموزش و مشارکت‌های اجتماعی مرتبط با شهرداری تهران، معاونت امور فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.
- ایمانیان، مسعود و اسکافی، مریم (۱۳۸۵). "بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی"، نشریه‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره‌ی ۹.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ قلی‌پور، آرین و برزکی، حوریه (۱۳۸۸). "رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۸.
- تیمور نژاد، کاوه (۱۳۸۲). نظام پاسخگویی در شهرداری تهران: پژوهشی پیرامون چگونگی ارائه‌ی خدمات شهری و رضایت شهروندان، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده‌ی مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی.
- داودوندی، طاهره (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- دواس، دی. ای (۱۳۹۰). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). "تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۳، دوره‌ی ۴.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). "شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه اجتماعی"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال ۳، شماره‌ی ۱۸.

صرافی، مظفر و اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴). "شهروند مداری: راهکاری برای حل مسائل شهری در ایران"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۲۱۷ و ۲۱۸.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۳). "زنان و نهادهای مدنی: مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲.

فتحی‌واجارگاه، کوروش و دیبا، طلعت (۱۳۸۱). "بررسی ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه‌ی ایران و میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس با این ویژگی‌ها"، فصلنامه‌ی ادبیات و علوم انسانی، شماره‌ی ۳۵.

کامیار، غلامرضا (۱۳۸۹). حقوق شهری و شهرسازی، تهران: انتشارات مجد.

معمدنژاد، کاظم (۱۳۷۱). وسایل ارتباط جمعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

نایی، هوشنگ و عبدالهیان، حمید (۱۳۸۱). "تبیین قشربندی اجتماعی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۰.

نجاتی حسینی، محمود (۱۳۹۱). "طرحی برای الگوی آموزش شهروندی (با تأکید بر آموزش شهروندی زنان)"، مجموعه مقالات همایش علمی - پژوهشی زنان و زندگی شهری. هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰). "آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن"، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره‌ی نهم.

Ascher, F. (2004). City and Citizenship for the 21th Century: Collective Urban Spaces-new Perspectives, in UTC, Forum Barcelona.

Baubock, R. (2003). "Reinventing Urban Citizenship", Citizenship Studies. Vol. 7, Issue.2: 139-160.

Bolzendahi, C. & Coffe, H. (2009). "Citizenship Beyond Politics: the importance of Political, Civil and Social Rights and Responsibilities among women and men", The British Journal of Sociology, Vol. 60, Issue. 4: 763-791.

Brown, A. & Kristiansen, A. (2009). Urban Politics & the Right to the City: Rights, Responsibilities and Citizenship, Habitat, Denmark, UNESCO.

Brown, A. (2013). "The Right to the City: Road to Rio 2010", International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 37, Issue.3: 957-971.

Buckle, S. (2007). "Performing Urban Citizenship: Contesting Social Rights in Multi-Level Policy Spaces", Paper prepared for

the conference on pathways to legitimacy? The future of global and regional governance in Warwick. England Sept. 17-19.

Butler, T. & et al (2007). "A Theoretical Model and Framework For Understanding Knowledge Management System Implementation", *Journal of Organizational and End User Computing (JOEUC)*, Vol. 19, Issue. 4: 1-21.

Carter, A. (2001). *The political Theory of Global Citizenship*, London: Routledge.

Chen, X., Orum, A., Paulsen, K. (2012). *Introduction to Cities: How Place and Space Shape Human Experience*, Wiley. Retrieved from <http://www.books.google.com>.

Figueras, P. (2006). *Educating Cities: an imperative political gamble*. UNESCO Un-Habitat Iss: 66.

Frick, J. & et al (2004). "Environmental Knowledge and Conservation Behavior: Exploring Prevalence and Structure in a Representative Sample", *Personality and Individual Differences*, Vol. 37, Issue.8: 1597-1613.

Groenewald, L. (2009). "Urban Citizenship Debates in South African Settings: a Case for Subsidiary", Google.Urban Cit.

Habermas, J. (1992). "Citizenship and National Identity: some Reflections on the Future of Europe", in B.S Turner and P.Hamilton (eds) (1994). *Citizenship: Critical Concept*, London: Routledge, Vol. 2, Section.6, and Chap.45.

Kristiansen, A. (2006). "The European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City", linking urban development with social equity and justice, UNESCO Un-Habitat Iss: 95.

Marcuse, P. (2010). "Rights in Cities and the Right to the City?", In Ana Sugranyes and Charlotte Mathivet (eds), *Cities for all: Proposals and experiences towards the Right to the City*, Santiago, Chile: Habitat International Coalition: 89-100.

Rouan, M. (2009). "Urban Citizenship and the Right to the City: The case of Undocumented Immigrants in Marseille", UCL Working Papers No.135: 1-24.

Sassen, S. (2004). "The Repositioning of Citizenship: Emergent Subjects and Spaces for Politics", *Berkeley Journal of Sociology*, Vol. 46: 4-25.

Varsanyi, M. (2006). "Interrogating Urban Citizenship vis-à-vis Undocumented Migration", *Citizenship Studies*, Vol.10, No. 2: 229-249.

Vitermark, J. & et al. (2005). "Reinventing Multiculturalism: Urban Citizenship and the Negotiation of Ethnic Diversity in Amsterdam", *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol.29, Issue.3: 622-640.

Walters, P. & et al. (2014). Access to Knowledge as Prelude to a Right to the City for the Urban Poor in Rajshahi, Bangladesh, 11th Symposium of International Urban Planning and Environment Association - IUPEA, At La Plata, Argentina.